

مجموعه خیال

برگزیده غزلیاتِ چهل و شش شاعر
از بابا فغانی شیرازی تا صفاء الحق همدانی

گزینش و ویرایش
علیرضا ذکاوتی قراگزلو

فرهنگ نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران-۱۳۹۷

فهرست مطالب

۲۱۹	طالب آملی	۱۱	پیشگفتار
۲۳۵	شاپور تهرانی		
۲۵۱	شفایی اصفهانی	۱۹	بابا فغانی شیرازی
۲۶۷	فصیحی هروی	۴۳	وحشی بافقی
۲۷۷	قدسی مشهدی	۴۹	عرفی شیرازی
۲۸۷	سلیم طهرانی	۱۱۱	فیضی (فیاضی) دکنی
۳۱۳	کلیم همدانی	۱۳۵	نظیری نیشابوری
۳۴۳	ناظم هروی	۱۵۳	سنجر کاشانی
۳۷۱	میرزا جلال اسیر	۱۷۵	ظهوری ترشیزی
۳۷۹	سالک قزوینی	۱۹۱	علینقی کمره‌ای
۴۲۵	میرصیدی طهرانی	۲۰۷	زلالی خوانساری
۴۴۳	میرزا محمدباقر حسینی	۲۱۳	صوفی مازندرانی

۶۶۷	محسن تأثیر تبریزی	۴۵۱	غنی کشمیری
۷۱۱	عبدالقادر بیدل	۴۵۹	فیاض لاهیجی
۷۷۱	سیدای نَسفی	۴۶۹	صائب تبریزی
۸۰۳	مخلص کاشانی	۵۰۷	دانش مشهدی
۸۲۱	آفرین لاهوری	۵۳۵	واعظ قزوینی
۸۳۵	قصاب کاشانی	۵۴۷	شوکت بخاری
۸۵۱	حزین لاهیجی	۵۵۵	اشرف مازندرانی
۸۵۷	واقف لاهوری	۵۷۵	ناصرعلی سیرندی
۸۶۵	قتیل لاهوری	۵۸۳	نجیب کاشانی
۸۷۳	غالب دهلوی	۶۰۵	میرزا داراب بیگ جويا
۸۸۷	اقبال لاهوری	۶۲۹	شفیعای شیرازی (اثر)
۸۹۳	صفاءالحق همدانی	۶۵۱	نعمت‌خان عالی

پیشگفتار

در همه ادوار تاریخی، نوعی هماهنگی و همسازی میان شاخه‌های مختلف فرهنگ و هنر وجود دارد؛ فی‌المثل معماری و مجسمه‌سازی و تئاتر و حکمت‌اندیشی در یونان قدیم با هم شکوفا شد، همچنان‌که در عصر رنسانس، نقاشی و مجسمه‌سازی و معماری و تئاتر و شعر با هم احیاء گردید و تکامل یافت. در فرهنگ و تمدن ایران بعد از اسلام، این همسویی در رشته‌های گوناگون کاملاً محسوس است و بهترین شاهد آن عصر صفوی است که نستعلیق و مینیاتور و قالی و خاتم و تذهیب و معماری و گچ‌بری و... با نازک‌کاری‌های غزل سبک هندی و نوآوری‌های چشمگیر در حکمت متعالیه پهلوی به پهلوی می‌زند. همچنان‌که بار دیگر در عصر ناصری با ارائه کارهای ممتاز در معماری و نقاشی و داستان‌عامیانه و تعزیه و...، به موازات عرضه مجموعه‌های عظیمی از فلسفه و حدیث و فقه و اصول و رجال و تراجم و تاریخ، روبه‌رو هستیم؛ اما اکنون سخن از سبک هندی است.

با یک نظر اجمالی به گویندگان فارسی‌زبان، از دیرباز، ملاحظه می‌شود که برخی صاف و سراسر سخن گفته‌اند (رودکی، فردوسی، منوچهری، فرخی،

ناصر خسرو، فخرالدین گرگانی، سعدی... و دسته‌ای دیگر پیچ و تاب‌ی به تعبیر و مضمون انداخته، به هر دلیل به نحوی از ادای مستقیم مقصود خودداری ورزیده‌اند (خاقانی، نظامی، ظهیر فاریابی، انوری، کمال اسماعیل، حافظ...)
تمام شاعران سبک معروف به هندی از زُمرهٔ دوّم‌اند.

از جهتی می‌توان گفت که هر چه به دوران‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم مضامین ترکیبی‌تر می‌شوند و در ادای این مضامین ترکیبی تعبیرهای پیچیده‌تری نیز به کار می‌رود. با چند مثال به توضیح مقصود می‌پردازیم.
رباعی مشهور منسوب به خیام در بیان معنای خود کامل و تمام است:

جامی‌ست که عقل آفرین می‌زندش
صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش
این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف
می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

یک شاعر عصر صفوی همین مضمون را چنین ادا کرده است:

این جهان مست ما را چون سبو دارد به دست
تا کجا بر خاک ریزد تا کجا خواهد شکست؟

در بیان این شاعر، تأسف یا حیرت و اعتراض خیامی با عنصر جدید دلهره و هراس آمیخته می‌شود. چنین می‌نماید که گویندهٔ رباعی از امر واقع و جاری و مستمر حرف می‌زند ولی سرایندهٔ تکبیت نظر به امری در شُرُف وقوع دارد که بسا احتمال‌های ناگوار در آن می‌رود.

مثال دیگر؛ حافظ می‌گوید:

فرصت شمار صحبت، کز این دو راه منزل
چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن